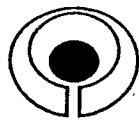


پایه علمی ایران

۴۴۰۸



دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

پایان نامه:

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد
مدیریت توانبخشی

موضوع:

بررسی تناسب فیزیکی مدارس ابتدایی آموزش و پرورش
برای استفاده دانش آموزان کم توان جسمی - حرکتی
در شهر ساری در سال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰

سازمان نظامت و آموزش عالی ایران
توسعه و ارتقاء مراکز آموزشی

استاد راهنما:

سرکار خانم دکتر نیکتا حاتمی زاده

۱۳۸۱ / ۱۱ / ۱۰

اساتید مشاور:

سرکار خانم مهندس گیسو قائم
جناب آقای دکتر انوشیروان کاظم نژاد

۴۴۵۵۸

پژوهشگر:

آرزو درودیان

سال تحصیلی ۱۳۸۱

چکیده:

موانع معماری از جمله اساسی ترین موانعی هستند که بر خورداری افراد کم توان جسمی - حرکتی را از یک زندگی عادی مشکل می کنند. وجود این موانع در مدارس نیز مشارکت دانش آموزان کم توان جسمی - حرکتی را محدود می نماید.

در پژوهش حاضر، تناسب فیزیکی مدارس ابتدایی شهر ساری بررسی شده است.

روش تحقیق غیر مداخله ای توصیفی بوده و ابزار پژوهش فرمهای اطلاعاتی

مربوط به دسترسی دانش آموزان به فضاهایی است که در مدرسه مورد استفاده آنها قرار

می گیرد و با در نظر گرفتن ضوابط و مقررات معماری برای معلولین و ^{دستی} اطفال کودکان کم

توان جسمی - حرکتی طراحی شده است. تناسب فیزیکی کلیه این فضاها در کلیه مدارس

ابتدایی (۶۲ مدرسه) بررسی گردیده است. نتایج نشان داد ۹۸/۴ درصد از راهروها، ۸۷

درصد از حیاطها، ۷۷/۴ درصد از کلاسها، ۶۴/۵ درصد از اتاقهای مدیر، معاونین و معلمین

و ۵۹/۷ درصد از ورودیهای اصلی مناسب بوده و ۱۰۰ درصد از سرویسهای بهداشتی،

۹۸/۴ درصد از آبخوریها، ۹۶/۶ درصد از پله ها، ۹۰/۳ درصد از ورودیهای ساختمان و

۵۱/۶ درصد از نمازخانه ها نامناسب می باشند. همچنین ۸۸/۴ درصد از مدارس فاقد سطح

شیبدار، ۸۰/۶ درصد فاقد بوفه، ۶۷/۷ درصد فاقد کتابخانه و ۳۲/۳ درصد فاقد نمازخانه

می باشند.

در آخرین فصل از این پژوهش اولین برنامه مناسب سازی مدارس ابتدایی شهر

ساری، به طوریکه کلیه دانش آموزان کم توان جسمی - حرکتی را تحت پوشش قرار دهد،

طرح گردیده است.

با تقدیر و تشکر فراوان

از پدر و مادر عزیزم که همچون فرشته ای وجودشان
تجلی زیباترین نقشهای زندگی است، که ایمان
عشق و هیات خویش را مدیونشان هستم

و

همسر عزیزم که با صبر و مهربانی آرامش را
توشه راهم کرد

وزارت اطلاعات و فرهنگ
جمهوری اسلامی ایران

با سپاس فراوان از زحمات اساتید ارجمندم

سرکار خانم دکتر ماتمی زاده

سرکار خانم مهندس قائم

و جناب آقای دکتر کاظم نژاد

که انجام و تدوین این پایان نامه را مرهون
رهنمودهای مدیرانه آنان می باشم.

و با تشکر فراوان از جناب آقای دکتر پابک که از
مخبرشان فیض بسیار برده ام و جناب آقای دکتر
میرفانی مدیر محترم گروه مدیریت توانبخشی.

من از لبخند او آموختم درسی که نسپارم
به دست ناامیدی ها دل امیدوارم را

تقدیم به همهٔ کودکانی که لبخند زیبا و
معصومانه‌شان نشان از عشق و امید به آینده دارد
باشد که آینده ای زیبا برایشان بسازیم

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
فصل اول: کلیات	
۲.....	- مقدمه
۴.....	- بیان مسئله
۱۱.....	- هدف کلی
۱۱.....	- اهداف اختصاصی
۱۳.....	- هدف کاربردی
۱۴.....	- تعاریف و مفاهیم
فصل دوم: بررسی متون	
۱۷.....	- طبقه بندی معلولین
۱۹.....	- آموزش و حقوق معلولین
۲۲.....	- آموزش فراگیر
۲۴.....	- تناسب فیزیکی و سازمان ملل متحد
۲۶.....	- تناسب فیزیکی در فضاهای آموزشی
۳۴.....	- تقسیم بندی فضاهای موردنیاز در مدارس ابتدایی
۳۷.....	- در نظر داشتن ابعاد کودکان در ساخت فضاهای آموزشی
۴۳.....	- دسترسی به ساختمان
۴۵.....	- ورودی ساختمان
۴۸.....	- پله

صفحه	عنوان
۵۱.....	- سطح شیبدار
۵۵.....	- راهرو
۵۷.....	- بازشوها
۶۱.....	- اشیاء داخل کلاس
۶۴.....	- سالن اجتماعات
۶۶.....	- فضاهای بهداشتی
۷۲.....	- حیاط
۷۴.....	- آبخوری
۷۴.....	- بوفه
۷۵.....	- سطل زباله

فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۷۷.....	- سئوالات تحقیق
۷۹.....	- متغیرها (تعریف، نوع اندازه گیری و مقیاس سنجش آنها)
۸۹.....	- روش مطالعه
۸۹.....	- جمعیت و نمونه مورد مطالعه
۸۹.....	- روش گردآوری داده ها
۸۹.....	- چگونگی ساخت فرمهای اطلاعاتی موردنظر، تعیین اعتبار و روایی آنها
۹۳.....	- چگونگی اجرا

فصل چهارم: گزارش یافته ها. جداول و نمودارها

- ۹۶..... - تناسب فیزیکی ورودی اصلی
- ۹۷..... - تناسب فیزیکی ورودی ساختمان
- ۹۸..... - تناسب فیزیکی پله
- ۹۹..... - تناسب فیزیکی سطح شیبدار
- ۱۰۰..... - تناسب فیزیکی راهرو
- ۱۰۱..... - تناسب فیزیکی کلاس
- ۱۰۳..... - تناسب فیزیکی کتابخانه
- ۱۰۴..... - تناسب فیزیکی نمازخانه
- ۱۰۵..... - تناسب فیزیکی سالن اجتماعات
- ۱۰۶..... - تناسب فیزیکی اتاق مدیر، معاونین و معلمین
- ۱۰۷..... - تناسب فیزیکی سرویس بهداشتی
- ۱۰۹..... - تناسب فیزیکی حیاط
- ۱۱۰..... - تناسب فیزیکی آبخوری
- ۱۱۱..... - تناسب فیزیکی بوفه
- ۱۱۲..... - تناسب فیزیکی فضاهای مدرسه
- ۱۲۷..... - تناسب فیزیکی مدرسه

فصل پنجم:

- ۱۲۹..... - بحث و نتیجه گیری

صفحه	عنوان
۱۳۲.....	- محدودیت‌های تحقیق
۱۳۴.....	- ملاحظات اخلاقی
۱۳۵.....	- پیشنهادات

فصل ششم: برنامه عملیاتی مناسب سازی مدارس ابتدایی

شهرسازی برای استفاده دانش آموزان کم توان جسمی - حرکتی

۱۳۸.....	- بیان مسئله
۱۴۰.....	- بررسی متون
۱۴۶.....	- اهداف و مقاصد
۱۴۷.....	- استراتژی‌ها
۱۴۸.....	- خط مشی‌ها
۱۵۱.....	- روش اجرا
۱۵۹.....	- پایش و ارزشیابی
۱۶۰.....	- جدول زمانبندی
۱۶۱.....	- برآورد هزینه‌ها
۱۶۲.....	- مشکلات اجرایی
۱۶۳.....	- منابع
۱۶۸.....	- ضمائم

فصل اول

کلیات

۱-۱- مقدمه

۱-۲- بیان مسئله

۱-۳- هدف کلی

۱-۴- اهداف اختصاصی

۱-۵- هدف کاربردی

۱-۶- تعاریف و مفاهیم

نهضت عادی سازی و روش یکپارچه سازی آموزشی مبتنی بر این باور است که افراد دارای معلولیت باید همان طور که افراد عادی کما حد اکثر ظرفیت بالقوه خود از فرصتها و امکانات برابر برای خود شکوفایی بهره می برند، بهره مند شوند و همانطور که در آئین نامه برابری فرصتها برای معلولین آمده است آموزش معلولین باید تا حد امکان در نظام مدارس همگانی صورت گیرد. از این رو اگر می خواهیم موانعی نظیر، جهل، ترس، پیشداوری و نگرش منفی نسبت به افراد استثنایی برطرف شود باید فرصتهایی فراهم کرد تا افراد عادی و استثنایی هر چه بیشتر در تماس و تعامل اجتماعی باشند و با فراهم کردن این گونه فرصتها و رفع موانع است که کلیه افراد معلول به منزله اعضاء تمام عیار جامعه پذیرفته می شوند و در نتیجه مورد تبعیض واقع نمی گردند و از فرصتهای برابر استفاده می کنند. از سوی دیگر اگر قرار است کودکانی که نیازهای ویژه دارند با هرگونه معلولیت پس از پایان تحصیلاتشان فرصتی برای ایفای نقش فعال در جامعه داشته باشند، مدرسه از بهترین نقاط شروع برنامه یکپارچه سازی است. مواردی از جمله، پراکندگی دانش آموزان استثنایی در سطح کشور، عدم امکان تأسیس مراکز استثنایی در شهرهای مختلف، کمبود نیروی انسانی متخصص با توجه به گستردگی مناطق و اثرات مثبت آموزش تلفیقی در کشورهای پیشرفته نیز ضرورت آموزش تلفیقی را مطرح می کند.

حال باید دید با توجه به ضرورت امر تلفیق - همانگونه که در جامعه ما بر آن تأکید فراوان می شود - آیا مقدمات لازم جهت این امر برآورد و تدارک دیده شده یا خیر؟ مطمئناً همه بر این باوریم که اقدام به آموزش تلفیقی، بدون اینکه نیازمندیهای آن تعیین و مقدمات ~~اجراء~~ آن فراهم گردیده باشد، کاری است غیرکارشناسانه که در عمل با مشکلات بسیاری مواجه خواهد شد و یا با شکست روبرو می گردد. طبق گزارش یونیسف حدود ۷۰ درصد کودکان معلول می توانند در مدارس عادی تحصیل کنند، مشروط بر اینکه محیط مدرسه از لحاظ فیزیکی قابل دسترسی باشد. از طرفی تخمین زده شده که تنها ۳ درصد کودکان دچار معلولیت در کشورهای در حال توسعه در مدارس عادی تحصیل می کنند. در ارتباط با کودکان دارای کم توانی جسمی - حرکتی، مهمترین عاملی که یکپارچه سازی آموزشی آنها را با مشکل مواجه می کند عدم تناسب فیزیکی مدارس برای استفاده آنها می باشد. در این پژوهش برآنیم تا با تعیین فراوانی مدارس که از لحاظ فیزیکی برای استفاده کودکان کم توان جسمی - حرکتی مناسب می باشند و نیز مشخص نمودن مشکلات اساسی فیزیکی مدارس، برنامه ریزی بهینه ای برای تحقق حداکثر امکان دسترسی فیزیکی که گام اول در امر تلفیق می باشد، انجام دهیم. به امید اینکه پژوهشگران دیگر با برداشتن گامهای بعدی و در نظر گرفتن جنبه های دیگر، امر تلفیق را به طور واقعی تحقق بخشند.

۱-۲- بیان مسئله

تقریباً چهار دهه است که در اکثر کشورهای پیشرفته دنیا به ویژه کشورهای اسکانندیناوی، ایالات متحده آمریکا، کانادا، انگلستان و ژاپن از روش یکپارچه سازی^۱ برای آموزش و پرورش کودکانی که نیازهای ویژه دارند استفاده می شود. به طور مثال به سال ۱۹۸۵ در انگلستان از ۲۸۶ مدرسه استثنایی بررسی شده، ۷۳ درصد مدارس استثنایی از برنامه های یکپارچه سازی یا تلفیقی استفاده می کردند و ۱۰ درصد در شرف پیاده کردن اینگونه برنامه ها بودند(۱).

حمایت از نهضت عادی سازی^۲ و روش یکپارچه سازی آموزشی مبتنی بر این باور است که افرادی که دارای معلولیت و یا هرگونه مشکلات یادگیری دیگر هستند باید همان طور که افراد عادی تیا حداکثر ظرفیت بالقوه خود از فرصتها و امکانات برابر برای خودشکوفایی بهره می برند، بهره مند شوند و همانطور که در آئین نامه برابری فرصتها برای معلولین آمده است آموزش معلولین باید تا حد امکان در نظام مدارس همگانی صورت گیرد و مسئولیت آموزش آنها باید برعهده اولیای آموزش و پرورش باشد(۲). از این رو اگر می خواهیم موانعی نظیر جهل، ترس، پیشداوری و نگرش منفی نسبت به افراد استثنایی برطرف شود باید فرصتهایی فراهم کرد تا افراد عادی و افراد استثنایی هرچه بیشتر در تعامل و تماس اجتماعی باشند. با فراهم کردن این گونه فرصتها و رفع موانع است که کلیه افراد معلول به منزله اعضای

-
- 1- Educational integration
 - 2- Normalization movement

تمام عیار جامعه پذیرفته می شوند و در نتیجه مورد تبعیض واقع نمی گردند و از فرصتهای برابر استفاده می کنند. از سوی دیگر اگر قرار است کودکانی که نیازهای ویژه دارند با هرگونه معلولیت پس از پایان تحصیلاتشان فرصتی برای ایفای نقشی فعال در جامعه داشته باشند، مدرسه، بهترین نقطه شروع برنامه یکپارچه سازی است، از مهدهای کودک گرفته تا مراکز پیش دبستانی، دبستانها و مدارس راهنمایی. بدیهی است هرچه این اقدام زودتر، یعنی در سنین پائین صورت پذیرد بهتر است، زیرا که تحقیقات نشان داده اند که نگرش کودکان خردسال عادی نسبت به همسالان معلول خود هنوز شکل نگرفته است و کودکان خردسال عادی اگر والدینشان اجازه دهند تمایل دارند با همسالان معلول خود رابطه برقرار کنند (به پژوه ۱۹۹۱). تحقیقات انجام شده در کشورهایی که از برنامه های یکپارچه سازی استفاده می کنند نشان می دهد، کودکانی که نیازهای ویژه دارند و در مدارس عادی آموزش می بینند با مسائل کمتری روبرو هستند. در مقابل، کودکانی که در مدارس استثنایی آموزش می بینند، پس از پایان تحصیل با مسائل عمده ای مواجه می شوند. (۱) اصطلاح برابر سازی فرصتها که در سال ۱۹۸۱ معرفی شد فرآیندی است که طی آن سیستمهای عمومی جامعه از جمله محیط فیزیکی مسکن، حمل و نقل، خدمات بهداشتی و اجتماعی و فرصتهای آموزش و اشتغال، امکانات فرهنگی و اجتماعی مانند امکانات ورزشی و تفریحات سالم برای تمام افراد قابل دستیابی و استفاده می شود. با این ترتیب با رفع و حذف موانع، امکان مشارکت کامل معلولان در تمام زمینه ها فراهم می شود و

در نتیجه دست یابی این افراد به کیفیتی از زندگی که معادل و برابر با دیگران باشد مقدور می گردد. (۳) اما با وجود این و پس از گذشت دو دهه از حمایت جهانی از سال بین المللی معلولین (سال ۱۹۸۱) و بویژه در طول دهه معلولین سازمان ملل متحد (۱۹۹۲-۱۹۸۳) هنوز تعداد کثیری از ۱۵۰ میلیون کودک معلول برآورد شده در سراسر جهان از فرصتهای یادگیری محروم هستند. (۴) حدود ۷۰٪ کودکان معلول می توانند در مدارس عادی تحصیل کنند مشروط بر اینکه محیط مدرسه از لحاظ فیزیکی قابل دسترس بوده و مدرسه مایل به پذیرش این کودکان باشد (۵-۴) اما در حال حاضر تخمین زده می شود که تنها ۳ درصد کودکان کشورهای در حال توسعه که دچار معلولیت هستند در مدارس عادی تحصیل می کنند. (۵)

برای دست اندرکاران توانبخشی سالها پیش از آنکه اصطلاح "فرصتهای مساوی" مطرح شود، دسترسی به محیط و رفع موانع آن مورد توجه بوده است. موانع معماری و تبعیضهای اجتماعی از اساسی ترین موانعی هستند که برخورداری افراد معلول را از یک زندگی عادی مشکل می کنند به همین دلیل رفع آنها به عنوان راه اصلی دستیابی به یکپارچه سازی مورد توجه متخصصان قرار گرفته است و می توان ادعا کرد که هدف نهایی تمام تلاشهای توانبخشی و آموزشی باید تلفیق افراد معلول در جامعه باشد. تأثیر نقش محیط در توانبخشی معلولان از همان شروع فعالیتهای توانبخشی بر متخصصان روشن شد این مسئله بویژه در مورد افرادی که در تحرک و جابجایی مشکل دارند دارای اهمیت بیشتری می باشد زیرا این افراد در

از اطلاعات و دستاوردهای علمی ایران

بالا رفتن از پله ها، عبور از ورودیهای کم عرض، استفاده از دستشوییها، سرویس رفت و آمد عمومی و عبور از زمینهای ناهموار با مشکلات فراوانی مواجه هستند.

در گذشته بسیاری از قوانین و مقررات کودکان معلول را از دسترسی به مدارس عادی محروم می کرد. نوجوانان و جوانان معلول نیز از دسترسی به آموزشهای حرفه ای و اشتغال محروم می شدند. در کشورهای صنعتی با تشخیص و شناسایی این مشکلات برنامه های توانبخشی با طیف وسیعی از اقدامات و مداخلاتی که هدف آنها تغییر محیط فیزیکی و مناسب سازی فضاهای زندگی بود آغاز شد. استانداردها و نرمهای جدیدی برای معماری بناها تدوین گردید و امروز این گونه تغییرات در محیط فیزیکی، همراه با تغییرات عمومی برای مناسب سازی شهرها، یک بخش اساسی از توانبخشی را تشکیل می دهد. (۳)

نهایتاً نمی توان تصور کرد که امر آموزش افراد معلول بدون وجود وسایل کمک آموزشی، مدارس قابل دسترس، وسیله حمل و نقل مناسب و کمکهای تخصصی، تحقق یابد. (۲) در آموزش کودکان معلول جسمی- حرکتی به شیوه های خاص چندانی، نیاز نیست و برنامه ها مشابه همان برنامه هایی است که برای دانش آموزان غیر معلول اجرا می شود. افراد معلول قادرند بسیاری از مسائل خود را حل کنند، اما به این علت که افراد غیر معلول حاضر نیستند درباره زندگی کسانی که دچار یک نقص عضوی هستند قدری اندیشه کنند، زندگی آنها به صورت پیچیده ای درمی آید. برخی تغییر و تعدیلهای ساده در وضع ساختمانها، اثاثیه و مبلمان، وسایل

خانه و البسه چه در خانه و چه در مدرسه و اجتماع می تواند به فرد معلول امکان

دهد تا با همان کیفیت افراد غیر معلول کارها را انجام دهد. (۶)

موارد زیر ضرورت آموزش تلفیقی را مطرح می کند: (۷)

۱- پراکندگی دانش آموزان استثنایی در سطح کشور بالاخص در شهرهای کوچک و

مناطق روستایی.

۲- گستردگی رشته های تحصیلی بخصوص نظام جدید متوسطه که نیاز به تجهیزات

و امکانات خاص دارد.

۳- عدم امکان تأسیس مراکز استثنایی در شهرهای مختلف.

۴- کمبود نیروی انسانی متخصص با توجه به گستردگی مناطق در سطح کشور.

۵- تشابه آموزش برخی گروههای استثنایی به آموزش عادی نظیر نابینایان و

معلولین جسمی- حرکتی.

۶- اثرات مثبت شیوه نوین آموزش تلفیقی در کشورهای پیشرفته.

حال باید دید که با توجه به ضرورت امر تلفیق- همانگونه که امروزه در

جامعه ما بر آن تأکید فراوان می شود- آیا مقدمات لازم جهت این امر تدارک دیده

شده یا خیر. بدیهی است به منظور فراهم ساختن امکان آموزش برای این کودکان

لازم است دولتها سیاستی را اتخاذ نمایند که توسط اولیاء مدارس قابل اجرا بوده و

در سطح جامعه مقبول واقع شود. درضمن نیاز بیشتری به انعطاف پذیری در برنامه

درسی، انتظارات معلمان از دانش آموز و تکالیفی که به او ارائه می گردد و فراهم

ساختن منابع یادگیری قابل دسترس در کلاس و کتابخانه های مدارس وجود دارد. نیاز به معلمان آموزش دیده، تربیت معلم مستمر و معلمان حمایتی اضافه برای تأمین نیازهای کودکان دارای نیازهای آموزشی ویژه نیز وجود دارد مهمتر از همه اینکه قابل دسترس بودن مدارس و کلاسها از لحاظ مسافت، شیبها و پله ها و سایر انطباقات موردنیاز موجب تسهیل تلفیق کودکان معلول خواهد شد. (۴)

در کشور ما ضوابط و مقررات نسبتاً کاملی در طراحی ساختمانهای عمومی به تصویب رسیده، همچنین پژوهشی در زمینه ساختمانهای آموزشی و معلولین انجام گرفته که معیارهای موردنیاز برای دسترسی کودکان به مدارس را تعیین کرده است، اما متأسفانه با توجه به جستجوهای انجام شده در مورد ایران پژوهشی پیرامون اینکه تا چه حد این ضوابط و معیارها در ساختمانهای آموزشی مورد توجه قرار گرفته یا اینکه امکان دسترسی کودکان به فضاهای مختلف در مدارس وجود دارد یا خیر صورت نگرفته است.

از آنجا که بر این باوریم که اقدام به آموزش تلفیقی، بدون اینکه نیازمندیهای آن تعیین و مقدمات اجراء آن فراهم گردیده باشد، کاری است غیرکارشناسانه که در عمل با مشکلات بسیار و یا با شکست روبرو می گردد. در این پژوهش برآنیم تا تناسب فیزیکی مدارس ابتدایی شهر ساری را برای استفاده کودکان کم توان جسمی - حرکتی بررسی نموده و مشکلات فیزیکی آنها را تعیین نمائیم. در مرحله بعد، از دادههای حاصل از این پژوهش در تدوین برنامه ای برای اصلاح مشکلات فیزیکی با

هدف فراهم کردن امکان دسترسی فیزیکی کودکان کم توان جسمی - حرکتی که گام اول در امر تلفیق می باشد استفاده می گردد. به امید اینکه پژوهشگران دیگر با برداشتن گامهای بعدی امر تلفیق را به طور واقعی تحقق بخشند.